



دانش آموز عزیز شما می‌توانید پاسخنامه امتحان را دو ساعت پس از پایان امتحان در پورتال مدرسه ملاحظه نمایید.

[www.bagheralolum.sch.ir](http://www.bagheralolum.sch.ir)

۱- با توجه به متن زیر، به سؤالات پاسخ دهید. (۳ نمره)

۱. "فصل خزان در نزد کائنات مظهر غم و اندوه بوده و حتی شاعران نیز برای نمایش اندوه در اشعار خود از نام پاییز بهره‌ها جسته‌اند؛ با این حال، این فصل، پادشاه فصل‌هاست. فصل ریزش نعمت‌های آسمانی، همان قطرات ریز باران، است که صورت گرمادیده و آفتاب‌سوخته زمین را که سه ماه آزرگار تابستان بر آن تاخته است، می‌شوید. نمایان شدن قوس قزح پس از باران نیز جلوه ای دیگر از جمال این فصل است. کلمه برگ‌ریزان تنها مختص پاییز است؛ بدین معنا که در این سه ماه درختان خود را می‌تکانند و برگ‌های زرد و سرخ خود را رها کرده و بر دامان زمین به امانت می‌گذارند و شاخه‌های خشکشان نیز چندین ماه برهنه‌وار منتظر می‌مانند تا در بهاری دیگر الماس‌های آسمانی بر شاخه‌هایشان به میهمانی آیند.
۲. این فصل را با نام خش‌خش نیز می‌شناسیم. همان گونه که پا بر روی خاک‌های ترک‌برداشته قدم می‌گذارد و آهنگ زیبا می‌سازد، صدای خش‌خش برگ‌ها نیز همین احساس را در دل ما ایجاد می‌کند. این صدا پس از شنیدن به ماورای درون ما می‌رود و روح ما را تا آسمان‌ها بالا می‌کشد. پاییز را می‌توان فصل مهاجرت نیز خواند؛ بدین معنا که پرندگان در این فصل از کاشانه خود رهایی جسته و در کرانه‌های آسمان به جست‌وخیز می‌پردازند تا لانه‌ای مناسب پیدا کنند. تماشای حرکات پرندگان در آسمان پاییز احساسی وصف‌ناشدنی در دل ایجاد می‌نماید.
۳. در فصل پاییز کشاورزان زمین‌ها را شخم زده و در آن محصولاتی مانند گندم و جو می‌کارند. در این ایام روزها کوتاه‌تر و شب‌ها طولانی‌تر می‌گردد که اوج این نابرابری را در شب یلدا می‌بینیم.
۴. پاییز مقارن با باز شدن دوباره مدارس و دانشگاه‌ها نیز هست. تمام دانش‌آموزان و دانشجویان به میهمانی سه فرزند پاییز، یعنی مهر و آبان و آذر، دعوت می‌شوند و پس از چندی استراحت تابستانه، تلاش و مطالعه را از سر می‌گیرند.
۵. هرچه هست، پاییز در مقابل این همه زیبایی که در اختیار ما می‌گذارد از ما چیزی نمی‌خواهد، جز این که به تفکر بنشینیم و به خدا نزدیک‌تر شویم. گمان می‌کنم پاییز زیر لب برایمان چنین دعا می‌کند که برگ‌های غم در دل‌هایمان هرچه زودتر بریزند و درخت وجودمان هرچه زودتر بهاری گردد."

- شماره بندهای بدنه را مشخص کنید.

- منظور از "الماس‌های آسمانی" چیست؟



- کدام بند در حکم مقدمه است؟

- منظور از فرزندان پاییز چیست؟

- از کدام فصل در این نوشته رد پای نیست؟

- شماره بند نتیجه‌گیری را بنویسید.

۲- تصور کنید آینه را برداشته‌اید و برای اولین بار با دقت به صورت خود نگاه می‌کنید. آنچه را که در آینه می‌بینید، در یک بند پنج‌خطی توصیف کنید. (۳ نمره)

۳- در متن زیر هشت غلط املائی وجود دارد. آن‌ها را بیابید و اصلاح کنید. (۴ نمره)

"روز دوشنبه امیر مسعود شبگیر برنشست و به کران رود هیرمند رفت با بازان و یوزان و حشم و ندیمان و مطربان و تا چاشتگاه به صید مشغول بودند. پس به کران آب فرود آمدند و خیمه‌ها و شرع‌ها زده بودند."

"دیگر روز امیر نامه‌ها فرمود به غزنین بر این حادثه بزرگ و سعب که افتاد و سلامت که به آن مقرون شد و مثال داد تا هزار هزار درم به غزنین و دوهزار هزار درم به دیگر ممالک به مستحقان و درویشان دهند شکر این را و نبشته آمد و به توفیق معکد گشت و مبشران برفتند."

"هنگامی که بهاءولد مناصک حج را به پایان برد، در بازگشت به طرف شام روانه گردید و مدتی در آن نواهی به سر برد. آوازه فضل و تأثیر بهاءولد همه جا را فراگرفت و پادشاه سلجوقی روم، علاءالدین کیقباد، از مقامات او آگاهی یافت و طالب دیدار وی گردید. بهاءولد از آنجا که دیار روم از تاخت و تاز سپاه مغول برکنار بود و پادشاهی دانا و صاحب بصیرت و محیطی عالم‌پرور و آزاد داشت، بدان جا هجرت گزید."

"بر خلاف مادرم که خشک و کم‌سخن بود و از دایره مسائل روزمره و مذهبیات خارج نمی‌شد، وی از مباحث مختلف حرف می‌زد؛ از تاریخ، حدیث، گذشته‌ها و همچنین شعر. حتی وقتی از آخرت و عوارض مرگ سخن می‌گفت، گفتارش با مقداری ضرافت و نقل و داستان همراه بود."

"سراچه ذهنم آماس می‌کرد. بیشتر بر فوران تخیل راه می‌رفتم تا بر روی دو پا. قوز می‌کردم و از فرط هیجان لگه می‌دویدم. کسانی که توی کوچه مرا این‌گونه می‌دیدند، شاید کمی خل می‌پنداشتند."

"عزیزترین رفقای من که حسن سیرت را با صباغت توأم داشت، لبخندی زده گفت: رفقا! زندگی آینده ما دستخوش تصادف و اتفاق است. امروز کار بسزا این است که با یکدیگر عهد کنیم که از کمک به یکدیگر فروگزاری ننماییم و برای اینکه این عهد هرگز از خاطر ما نرود، باید به شکل بدیهی، میثاق امروزی را قطعی سازیم."

"حق تعالی چون اصناف موجودات می‌آفرید. وسایط گوناگون در هر مقام بر کار کرد. چون کار به خلقت آدم رسید، گفت: ائی خالق بشر! من تین. خانه آب و گل آدم من می‌سازم. جمعی را مشتبه شد؛ گفتند: نه همه تو ساخته‌ای؟ گفت: اینجا اختصاصی دیگر هست که این را به خودی خود می‌سازم بی‌واسطه که در او گنج معرفت تعبیه خواهم کرد."

۴- به کمک روش بارش فکری، چهار واژه مرتبط با زمان و چهار واژه مرتبط با مکان برای "عید نوروز" بنویسید. (۲ نمره)

۵- با توجه به ضرب‌المثل "به زبان خوش مار از سوراخ بیرون می‌آید." یک داستان کوتاه بین پنج تا ده خط از خودتان بنویسید. (۳ نمره)

۶- نوشته زیر را بخوانید و سپس یکی از چهار عنوان پیشنهادی را به عنوان نام آن برگزینید. (۱ نمره)

"شیخ یک بار به طوس رسید. مردمان از شیخ استدعای مجلس کردند. اجابت کرد.

بامداد در خانقاه تخت بنهادند. مردم می‌آمدند و می‌نشستند.

چون شیخ بیرون آمد، مقریان قرآن برخواندند و مردم بسیار درآمدند؛ چنانکه هیچ جای نبود.

معرف بر پای خاست و گفت: خدایش بیامرزد که هرکسی از آنجا که هست، یک گام فراتر آید.

شیخ گفت: و صلی الله علی محمد و آله اجمعین. دست به روی فرو آورد و گفت: هرچه ما خواستیم گفت و همه پیغمبران بگفته‌اند، او بگفت که از آنچه هستید، یک قدم فراتر آید.

کلمه‌ای نگفت و از تخت فروآمد و بر این ختم کرد مجلس را."

(آ) تواضع، راه و روش مردان خدا (ب) یک گام فراتر (پ) فرار از شیطان (ت) منبر غرور

۷- تصور شما از شیطان چگونه است؟ او را به چه شکلی تصور می‌کنید؟ چه حرف‌هایی به شما می‌زند؟ شما به او چه می‌گویید؟ پوشش و لحنش چگونه است؟ با توجه به این قبیل سؤالات و هر موضوع مرتبط دیگر، در چهار بند، شیطان را از دیدگاه خود وصف کنید. (۴ نمره)



پادشاه فیصل و پسران  
بازوالقلم

به نام خدا

نام و نام خانوادگی: \_\_\_\_\_  
 امتحان درس: **نگارش**  
 کلاس: **یازدهم** رشته: **انسانی**  
 وقت امتحان: **۷۰** کد: **۳۵۱-۹۶۱۰۱۰**

دانش آموز عزیز شما می توانید پاسخنامه امتحان را دو ساعت پس از پایان امتحان در پورتال مدرسه ملاحظه نمایید.

[www.bagheralolum.sch.ir](http://www.bagheralolum.sch.ir)

۱- با توجه به متن زیر، به سؤالات پاسخ دهید. (۳ نمره)

۱. "فصل خزان در نزد کائنات مظهر غم و اندوه بوده و حتی شاعران نیز برای نمایش اندوه در اشعار خود از نام پاییز بهره‌ها جسته‌اند؛ با این حال، این فصل، پادشاه فصل‌هاست. فصل ریزش نعمت‌های آسمانی، همان قطرات ریز باران، است که صورت گرمادیده و آفتاب‌سوخته زمین را که سه ماه آرگار تابستان بر آن تاخته است، می‌شوید. نمایان شدن قوس قزح پس از باران نیز جلوه‌ای دیگر از جمال این فصل است. کلمه برگ‌ریزان تنها مختص پاییز است؛ بدین معنا که در این سه ماه درختان خود را می‌تکانند و برگ‌های زرد و سرخ خود را رها کرده و بر دامان زمین به امانت می‌گذارند و شاخه‌های خشکشان نیز چندین ماه برهنه‌وار منتظر می‌مانند تا در بهاری دیگر الماس‌های آسمانی بر شاخه‌هایشان به میهمانی آیند.
۲. این فصل را با نام خش‌خش نیز می‌شناسیم. همان گونه که با بر روی خاک‌های ترک‌برداشته قدم می‌گذارد و آهنگ زیبا می‌سازد، صدای خش‌خش برگ‌ها نیز همین احساس را در دل ما ایجاد می‌کند. این صدا پس از شنیدن به ماورای درون ما می‌رود و روح ما را تا آسمان‌ها بالا می‌کشد. پاییز را می‌توان فصل مهاجرت نیز خواند؛ بدین معنا که پرندگان در این فصل از کاشانه خود رهایی جسته و در کرانه‌های آسمان به جست‌و‌خیز می‌پردازند تا لانه‌ای مناسب پیدا کنند. تماشای حرکات پرندگان در آسمان پاییز احساسی وصف‌ناشدنی در دل ایجاد می‌نماید.
۳. در فصل پاییز کشاورزان زمین‌ها را شخم زده و در آن محصولاتی مانند گندم و جو می‌کارند. در این ایام روزها کوتاه‌تر و شب‌ها طولانی‌تر می‌گردد که اوج این نابرابری را در شب یلدا می‌بینیم.
۴. پاییز مقارن با باز شدن دوباره مدارس و دانشگاه‌ها نیز هست. تمام دانش‌آموزان و دانشجویان به میهمانی سه فرزند پاییز، یعنی مهر و آبان و آذر، دعوت می‌شوند و پس از چندی استراحت تابستانه، تلاش و مطالعه را از سر می‌گیرند.
۵. هرچه هست، پاییز در مقابل این همه زیبایی که در اختیار ما می‌گذارد از ما چیزی نمی‌خواهد. جز این که به تفکر بنشینیم و به خدا نزدیک‌تر شویم. گمان می‌کنم پاییز زیر لب برایمان چنین دعا می‌کند که برگ‌های غم در دل‌هایمان هرچه زودتر بریزند و درخت وجودمان هرچه زودتر بهاری گردد."

شماره بندهای بدنه را مشخص کنید. **بندهای ۲، ۳، ۴**

منظور از "الماس‌های آسمانی" چیست؟ **شکره‌ها**





- کدام بند در حکم مقدمه است؟ **بند اول (بند ۱)**
- منظور از فرزندان پاییز چیست؟ **ماه‌های پاییز (مهر و آبان و آذر)**
- از کدام فصل در این نوشته رد پایی نیست؟ **زمستان**
- شماره بند نتیجه‌گیری را بنویسید. **بند ۵**

۲- تصور کنید آینه را برداشته‌اید و برای اولین بار با دقت به صورت خود نگاه می‌کنید. آنچه را که در آینه می‌بینید، در یک بند پنج خطی توصیف کنید. (۳ نمره)

۳- در متن زیر هشت غلط املایی وجود دارد. آن‌ها را بیابید و اصلاح کنید. (۴ نمره)

"روز دوشنبه امیر مسعود شبگیر برنشست و به کران رود هیرمند رفت با بازان و یوزان و حشم و ندیمان و مطربان و تا چاشنگاه به صید مشغول بودند. پس به کران آب فرود آمدند و خیمه‌ها و شراع‌ها زده بودند."

دیگر روز امیر نامه‌ها فرمود به غزنین بر این حادثه بزرگ و **سعب** که افتاد و سلامت که به آن مقرون شد و مثال داد تا هزار هزار درم به غزنین و دوهزار هزار درم به دیگر ممالک، به مستحقان و درویشان دهند شکر این را و نیشته آمد و به توفیق **معد** گشت و **مبشران** برقتند."

"هنگامی که بهاولد **مناسک** حج را به پایان برد، در بازگشت به طرف شام روانه گردید و مدتی در آن **نواهی** به سر برد. آوازه فضل و تأثیر بهاولد همه جا را فراگرفت و پادشاه سلجوقی روم، علاءالدین کیقباد، از مقامات او آگاهی یافت و طالب دیدار وی گردید. بهاولد از آنجا که دیار روم از تاخت و تاز سپاه مغول برکنار بود و پادشاهی دانا و صاحب بصیرت و محیطی عالم‌پرور و آزاد داشت، بدان جا هجرت گزید."

"بر خلاف مادرم که خشک و کم‌سخن بود و از دایره مسائل روزمره و مذهبیات خارج نمی‌شد، وی از مباحث مختلف حرف می‌زد؛ از تاریخ، حدیث، گذشته‌ها و همچنین شعر. حتی وقتی از آخرت و عوارض مرگ سخن می‌گفت، گفتارش با مقداری **ضرافت** و نقل و داستان همراه بود."

"سراجی دهنم آماس می‌کرد. بیشتر بر فوران **تخیل** راه می‌رفتم تا بر روی دو پا، قوز می‌کردم و از فرط هیجان لگه می‌دویدم. کسانی که توی کوچه مرا این‌گونه می‌دیدند، شاید کمی **خل** می‌پنداشتند."

"عزیزترین رفقای من که حسن سیرت را با **صباغت** توأم داشت، لبخندی زده گفت: رفقا! زندگی آینده ما دستخوش تصادف و اتفاق است. امروز کار بسزا این است که با یکدیگر عهد کنیم که از کمک به یکدیگر **فروگذاری** ننماییم و برای اینکه این عهد هرگز از خاطر ما نرود، باید به شکل **بدیهی**، میثاق امروزی را قطعی سازیم."

"حق تعالی چون اصناف موجودات می‌آفرید، وسایط گوناگون در هر مقام بر کار کرد. چون کار به خلقت آدم رسید، گفت: ای خالق بشر! من **تین**، خانه آب و گل آدم من می‌سازم. جمعی را مشتبه شد، گفتند: نه همه تو ساخته‌ای؟ گفت: اینجا اختصاصی دیگر هست که این را به خودی خود می‌سازم بی‌واسطه که در او گنج معرفت تعبیه خواهم کرد."

- ۴- به کمک روش بارش فکری، چهار واژه مرتبط با زمان و چهار واژه مرتبط با مکان برای "عید نوروز" بنویسید. (۲ نمره) **زمان: اول فروردین - چهارشنبه تنگسوری - چهار - هسزده بدر و ... مکان: ایران - خانه اقوام - کشورهای فارسی زبان - طبیعت ر ...**
- ۵- با توجه به ضرب‌المثل "به زبان خوش مار از سوراخ بیرون می‌آید." یک داستان کوتاه بین پنج تا ده خط از خودتان بنویسید. (۳ نمره)

- ۶- نوشته زیر را بخوانید و سپس یکی از چهار عنوان پیشنهادی را به عنوان نام آن برگزینید. (۱ نمره)
- "شیخ یک بار به طوس رسید. مردمان از شیخ استدعای مجلس کردند. اجابت کرد.

بامداد در خانقاه تخت بنهادند. مردم می‌آمدند و می‌نشستند.

چون شیخ بیرون آمد، مقریان قرآن برخواندند و مردم بسیار درآمدند؛ چنانکه هیچ جای نبود.

معرف بر پای خاست و گفت: خدایش بیامرزد که هر کسی از آنجا که هست. یک گام فراتر آید.

شیخ گفت: و صلی الله علی محمد و آله اجمعین. دست به روی فرو آورد و گفت: هر چه ما خواستیم گفت و همه پیغمبران یگفته‌اند. او بگفت که از آنچه هستید، یک قدم فراتر آید.

کلمه‌ای نگفت و از تخت فرو آمد و بر این ختم کرد مجلس را."

(آ) تواضع، راه و روش مردان خدا (ب) یک گام فراتر (پ) فرار از شیطان (ت) منبر غرور

- ۷- تصور شما از شیطان چگونه است؟ او را به چه شکلی تصور می‌کنید؟ چه حرف‌هایی به شما می‌زند؟ شما به او چه می‌گویید؟ پوشش و لحنش چگونه است؟ با توجه به این قبیل سؤالات و هر موضوع مرتبط دیگر، در چهار بند، شیطان را از دیدگاه خود وصف کنید. (۴ نمره)